



### اعمال فضیلتنا

آرژامت م تواند با فضیلت اشتباه گرفته شود؟  
سعد انواری\*

اخلاق فضیلت گرانوشه می کند که «به نحوی عمل کن که افراد با فضیلت عمل می کنند» (گرت، ص 18). اما افراد بافضیلت چگونه عمل می کنند؟ آیا می توان ظاهر عمل ایشان را ملاک قرار داد؟ به عنوان مثال چگونه می توان اعتماد به نفس را از غرور تشخیص داد؟ در نتیجه آماره معقولی برای تشخیص فضائل اخلاقی از غرور اخلاقی وجود دارد؟ (نک: لاودن، اخلاق فضیلت، ص 393).

این مقاله کوشش کرده است تا با بررسی اعمال فضیلت نشان دهد که همواره عملی که در ظاهر از فضائل به شمار می آید، فضیلت محسوب نمی شود. بر این اساس، رفتارهایی مورد بررسی قرار گرفته اند که در ظاهر شبیه فضائل اخلاقی هستند و معمولاً با آنها اشتباه گرفته می شوند، اما در حقیقت فضیلت نیستند. ملامهدی نراقی در جامع السعادات می نویسد: «در برابر هر یک از انواع فضائل، ردی شبیه به فضیلت وجود دارد» (ص 62). به عنوان مثال ترک آرزو اگر صرفاً به دلیل تنبلی و ناهمادی از دست آبی به آن باشد، فضیلت نیست. و اگر عدم تمایل به اشتها (که یکی از فضائل اخلاقی شمرده شده و از آن به «خمول» تعبیر شده است)، ناشی از خجالت و بی دست و پا بودن فرد باشد، نه تنها فضیلت به شمار نمی آید، بلکه نقصی روحی است که با مدد در جهت رفع آن کوشش می کند. خواجه نصیر طوسی به این دسته از افعال اشاره کرده است و می نویسد: «افعالی صادر می شود از مردم شبیه به افعال اهل فضائل»، سپس بیان می کند که با این «ان فضیلت و آنچه نه فضیلت بود به معرفت حقیقت هر فعلی و ... این آنچه مبدأ آن فضیلتی بود و آنچه مبدأ آن حالتی دیگر باشد» فضیلت «تماز و تفکیک نما» (خواجه نصیر، اخلاق ناصری، ص 122). دشتکی در این زمینه می نویسد: «قاصر جاهل را رذائل به فضائل مشتبه شود، مثلاً سفسطه را حکمت پندارد و تهور را شجاعت و خمود (سستی و بی حالی) را عفت» (دشتکی، اخلاق منصور، ص 182؛ نک: ص 185 و 186). در کتاب جامع السعادات ملامهدی نراقی نیز به برخی از اینگونه اعمال اشاره شده است. 1.

xxx

### اعمال فضیلت نما

در بیشتر کتاب های اخلاق به بررسی فعل اخلاقی و ضد آن می پردازند و کمتر به بررسی دسته ای از افعال غرور اخلاقی می پردازند که شبیه به فضائل هستند. از این امور در برخی از کتاب های اخلاق به «افعال شبیه به فضائل» تعبیر شده است

(به عنوان نمونه نک: جامع السعادات، ج ۱، ص ۸۳). چنان که خواجه نصیر در کتاب اخلاق ناصری عنوان این بحث را «در فرق میان فضائل و آنچه شبیه فضائل بود از احوال» قرار داده است (ص ۱۲۲). اما در این گونه آثار نیز تنها در فصلی کوتاه به اعمال فضیلت نما اشاره شده است. در کتاب مقالات شمس آمده است (ص ۱۶۸، شماره ۱۹۷):

«روزی مصطفی علیه السلام هر کاری را جداگانه می پرسید از طبع او، و می آید که به جنگ ما می آید به صلح؟ و آن می آید به صلح از بددلی است و جاندوستی و سلامتطلبی، اما از نیکخواهی و کرم و صبر و بردباری؟»

چنان که در عبارت فوق آمده است، حتی می آید به صلح می تواند ناشی از بددلی و جان دوستی باشد و لزوماً فضیلت به شمار نمی آید. همچنین غزالی در کیمیای سعادت از پیامبر اکرم (ص) روایت کرده است که:

«چون مسلمانان به مصاف با ستمداران کفار، فرشتگان نامها نبشتن کردند که فلان کس جنگ به تعصب می کند، فلان کس به حمت می کند که گویند که فلان در راه خدای کشته شد» (ص ۷۴۴).

بنابراین گرچه در ظاهر ممکن است فردی در جنگ کشته شده باشد، اما لزوماً نمی توان وی را شهید به شمار آورد. همچنین عمل راهزنان و سارقان، اگرچه به ظاهر شبیه شجاعت است، اما چون ناشی از حرص و طمع است، فضیلت به شمار نمی آید (نراقی، جامع السعادات، ج ۱، ص ۸۴). چنان که بخشش برای به دست آوردن مال بیشتر و دفع ضرر و آزار به مقامی خاص و کامرانی دنیا «سخا» به شمار نمی آید (همان، ص ۸۶).

از امام سجاده روایت شده است (طبرسی، الاحتجاج، ج ۲، ص ۳۲۱-۳۲۰؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۱۸۴):

«اگر کسی را دیدید که ظاهری نیکو و بخشنده دارد و در حرکات خود فروتن و متواضع است مبادا که فرشته او شود! چه بسا انسان ها می که از به دست آوردن دنیا و ارتکاب گناهان به علت ناتوانی جسمانی و ترس و بزدلی وامانده اند... و اگر به حرام دست می افتند از ارتکاب آن در غیابنداشتند... در میان مردم کسانی هستند که به خاطر دنیا از دنیا چشم می پوشند. در نظر ایشان، راست دنیوی از نعمت های مباح و حلال آن برتر است و به همین سبب از همه چیز به خاطر آن صرف نظر می کنند».

#### دسته بندی اعمال فضیلت نما

اعمال فضیلت نما (شبیه به فضائل) را می توان از سه منظر: ظاهر، باطن و آگاهی فرد از انگیزه اصلی عمل، مورد بررسی قرار داد:

ک) بر اساس ظاهر آنها؛ اعمال فضیلت نما به دو طریق اجابتی و سلبی امکان ظهور دارند:

الف) به نحو اجابتی: انجام برخی از اعمال، شبیه به اعمال افراد بافضیلت است. مانند تکبر که می تواند با عزت نفس اشتباه گرفته شود و امتناعی که می تواند با توکل اشتباه گرفته شود. چنان که ممکن است که ترک شهوت ناشی از حب مقام باشد. این سه مورد اشارات می نمود که گاه به فردی که خواهان راست است، اموری چون لذات خوردنی یا جنسی عرضه می شود و وی به واسطه مراعات جاه و مقام خود از آن دست بر می دارد (اشارات، نمط هشتم، وهم و تنبیه، ص ۴۱۴). حتی چندین مقامی می تواند خدای و پس از مرگ وی باشد! چنان که این سه مورد می نمود که ممکن است فردی برای لذت ستایش، هرچند که بعد از مرگ وی باشد، به تنهایی بر لشکری حمله کند و خود را به خطر اندازد (همان). خواجه نصیر طوسی نیز می نمود (خواجه نصیر، اخلاق ناصری، ص ۱۲۶):

«باشد که با اقصی آنها متصبر برسند و به دست و پای بر بدن و چشم کنند و انواع عذاب و نکال و مثله و صلب و قتل رضا دهند، تا اسم و ذکر در میان قومی ابنای جنس و شرکای خوش باقی و شایع گردانند».

ب) به نحو سلبی: ترک برخی از اعمال، شبیه به اعمال افراد بافضیلت است. چنان که ترک کردن شهوت جنسی ممکن است ناشی از پیری و ناتوانی بدنی و ناتوانی جنسی (عجز بودن) باشد. بنابراین گاه به دلیل عدم وجود زمینه بروز رذائل، ترک کردن رذیلت به فضیلت تقسیم شده است. این سه مورد می کنند که چه بسا فردی که لذتی را نچشمیده است نسبت به آن بی میل باشد و فردی که دردی را تحمل نکرده است، نسبت به آن پرهیز نکند (اشارات، نمط هشتم، وهم و تنبیه، ص ۴۲۲). بنابراین ممکن است فردی که به زهد و پرهیز از گناهی خاص روی آورده است در حقیقت هیچ گاه لذت آن گناه را درک نکرده باشد و از سر جهل، نسبت به آن بی تمایل باشد و اعلم آنکه فردی در جنگ جانبازی می کند آن باشد که از وخامت حال معلولان جنگی بی اطلاع باشد.

دو) بر اساس باطن (ذات) آنها؛ از این منظر اعمال فضیلت نما به دو دسته کلی تقسیم می شوند:

الف) اعمالی که تعمداً و با نیت تظاهر به فضیلت (راست و نفاق) انجام می شوند؛ به عنوان مثال خواجه نصیر می نمود (اخلاق ناصری، ص ۱۳۰):

«وهم چندین عملی شبیه به عدالت صادر شود از کسانی که عدالت در ایشان موجود نبود و اظهار اعمال عدول کنند، از جهت راستی و سمع تا به وسعت آن مالی جاهی را چنان زی مرغوب جذب کنند، اما به جهت غرضی دیگر».

ب) اعمالی که بدون نیت تظاهر به فضیلت انجام می شوند؛ ملامهدی نراقی می نمود که ترک لذت دنیا می نمود که به دلیل

ضعف و ناتوانی قوا و ضعف شدن آلات بدنی و ا به دلیل نفرت ناشی از کثرت ارتکاب آنها و ا به دلیل ترس از بیماری‌ها و ا عدم درک لذت آنها، فضیلت به شمار نمی‌آید (نراقی، جامع السعادات، ج ۱، ص ۸۳). چنان‌که ملاحظه می‌شود این موارد گرچه از روی انجام نشده‌اند، اما بازهم فضیلت به شمار نمی‌آید و تنها ظاهری شبه فضائل اخلاقی دارند.

سه) براساس آگاهی فرد از انگ زه اصل؛ در مورد اعمال فضیلت نمود حالت قابل تصور است: الف) فرد از انگ زه اصلی عمل فضیلت نمای خود آگاه است؛ به عنوان مثال ممکن است خود فرد بداند که در حقیقت خجالتی است و نه با تقوا.

ب) فرد از انگ زه اصلی عمل فضیلت نمای خود آگاه نیست؛ بدین معنا که فرد از انگ زه‌های ناخودآگاه افعال خود غافل است. این دسته مخفی‌ترین نوع ردائل شبه فضائلند که می‌توان نمونه آنها را در این فرایندهای ناهشیار انسان که در روانشناسی معرفی می‌شوند، یافت.

در روانشناسی، فرایندهای ناهشیاری معرفی شده‌اند که با تحریف واقعیت، فرد را در برابر اضطراب محافظت می‌کنند. در این نوع تدابیر دفاعی-روانی انسان، نوعی فریبکاری در کار است (هلمکارد، زمینه روانشناسی، ج ۲، ص ۱۵۵). فروید در علم روانشناسی فرایندها و ا به تعبیر بهتر، تدابیر دفاعی را برای انسان در مقابله با اضطراب معرفی کرده است که اساس آنها بر تحریف ناهشیار واقعیت است. یکی از این تدابیر جابجاسازی نامیده می‌شود (هلمکارد، زمینه روانشناسی، ج ۲، ص ۱۶۲). در این فرایندها، ناهشیار فرد، می‌کند که در جامعه رقیب پذیرش است را به مسری منتقل می‌کند که از نظر جامعه پذیرفتنی است. این فرایندها می‌توانند به دو نحو ظاهر شود:

۱. واکنش وارونه؛ در این شیوه فرد رفتاری مخالف با تمایلات اصلی خود بروز می‌دهد. به عنوان مثال فردی که دارای تمایلات جنسی است، ممکن است آن را وارونه کند و به مبارزی متعصب علیه فحشا مبدل شود (شولتز، نظرهای مشخصه، ص ۶۷)؛

۲. والا؛ در این شیوه فرد در قالب رفتارهایی که از نظر جامعه پذیرفتنی و تحسین برانگیز هستند، واکنش خود را بروز می‌دهد. به عنوان مثال تمایلات جنسی وی در قالب شعر و هنر نمود پیدا می‌کنند (شولتز، نظرهای مشخصه، ص ۶۸)؛ و اشخص و سواسی ممکن است رفتار و سواس گونه خود را در قالب و راستاری متون و تصحیح نسخه‌های خطی و عبادت‌های از حد و زاهدانه ظاهر نماید. همچنان‌که برخی از افرادی که فعال سیاسی مبارزی برای آرمانی ارزشمند هستند، در حقیقت به دلیل روانی، ممکن است ناآگاهانه از منند دشمنی و کشمکش با دیگران باشند و حتی در صورت پیروزی این امکان وجود دارد که کارایشان به دشمن تراسی در تشکلاتشان بچامد! (تلی، ملکی دگر، ص ۱۸۵-۱۸۶)؛ به عنوان مثالی دیگر مامور سانسور مجلات، ممکن است خود فردی شهوانی باشد که از این طریق، نیاز خود را به نحو والا نشان داده و واکنش وارونه برطرف می‌نماید.

البته با شناخت انگ زه‌های حقیقی درونی خود، می‌توان برخی از ردائل اخلاقی را مدبرانه کرد و از آنها در جهت مثبت استفاده کرد. به عنوان مثال فرد عصبی و پرخاشگر ممکن است در یکی از ورزش‌های رزمی و ا مثلاً بوکس موفق باشد و فرد خال پرداز ممکن است رمان نویس موفق شود. اما به هر حال از دیدگاه دیگران، اهتمام وی به ورزش بوکس یا پرداختن به رمان نویسی، از فضائل اخلاقی به شمار نمی‌آید در حالی که منشأ این امور ارزش‌های اخلاقی نبوده است. در این صورت گرچه فرد لازم است تا این ردائل اخلاقی را از خود دور کند، اما با مدبرانه‌توان می‌تواند آنها را موقتاً در جهت مثبتی به کار ببرد. به عنوان مثال، معلمی دقیق و توانا ممکن است فردی باشد که علاقمند به پرحرفی و دوست‌دار غلبه بر دیگران و ا جذب تحسین آنها باشد و تمایل به برطرف کردن این نیازها است که وی را به این شغل کشانده است و نه انگ زه‌ای معنوی در جهت تعلیم و تربیت انسان‌ها.

مثال‌های بسیاری در این زمینه قابل طرح است که در اینجا به چند مورد از آنها اشاره می‌شود. به عنوان مثال می‌توان بر انجام فرائض می‌تواند از سر عادت باشد. اعتقاد به معاد و آخرت می‌تواند از سرمه‌ل به جاودانگی و بر اساس مغالطه آرزوآندی باشد (در مورد این مغالطه نک: خندان، مغالطات، ص ۱۶۵) و نه بر اساس بنیانی عقلانی و ایمانی. باقی ماندن بر عقاید دینی خود در محیطی متفاوت و آغردینی می‌تواند ناشی از خودبزرگی دینی و تعصب قومی و خانوادگی باشد که به دلیل خودخواهی، متعلقات خود و از جمله اعتقادات خود را بهتر و برتر از دیگران می‌داند. همچنین درست در نقطه مقابل، ممکن است عدم پابندی فرد به دین آباء و اجدادش و پذیرش دین جدید، ناشی از خودبزرگی دینی و روحیه اعتراض‌گری وی باشد و نه ناشی از روحیه طلبی. پابندی بودن به شریعت نیز ممکن است از روی تمایل به هم‌رنگی با جماعت باشد. چنان‌که فردی ممکن است با آمدن از شهرستان به تهران نوع پوشش خود را تغییر دهد و ا بارفتن به خارج از کشور، پابندی به شریعت را رها نماید. بحث از هم‌رنگی با جماعت یکی از مباحث روانشناسی اجتماعی است (نک: ارونسون، روانشناسی اجتماعی، ص ۴۷) و می‌تواند انگ زه پنهان مادر بساری از رفتارها مان باشد که دیگران آن را فضیلت به شمار می‌آورند.

همچنین اعتماد به نفس می‌تواند ناشی از داشتن جهل مرکب و ارواحه قطع بودن فرد باشد و نه ناشی از تسلط و اشراف فرد بر آن کار. محقق بزرگ بودن، ممکن است به دلیل وسواس و کمال‌گرایی و حب به شهرت باشد. ارج نهادن به مقام علمی استاد، می‌تواند ناشی از حب به شهرت در خود فرد باشد؛ به عنوان مثال شخصی را در نظر بگیرد که از مردمان دانشمندی بزرگ است، اما تنها به این علت که انتساب به آن بزرگ، باعث بزرگی وی می‌شود در اعزاز و اکرام وی می‌کوشد تا به نحو بالعرض نام خود را بلند آوازه کند. و این به دلیل آن است که آن بزرگ وی را دوست دارد و وی را از مندرافت محبت است، در جرگه مردمان آن فرد باقی مانده است و نه بر اساس اعتقاد قلبی به سخنان آن بزرگ. دشتکی گزارش کرده است که برخی از اندشمندان، اخلاق انسان را تابع مزاج (وضعیت جسمی) وی دانسته‌اند (نک: اخلاق منصور، ص 174-165)، گرچه دشتکی این نظر را نمی‌پذیرد، اما تأثیر مزاج و حالات جسمانی انسان بر خلق و خوی وی قابل تأمل است و می‌توان آن را از مصادیق اعمالی دانست که گاه خود فرد نیز از آنکه زه اصلی بروز آنها غافل است. به عنوان مثال ممکن است فردی به دلیل لاغر بودن، دست‌رتر گرسنه می‌شود و تحمل روزه برای وی راحت‌تر است و این به دلیل کوتاه قد بودن، استادن و نماز خواندن بسیار، برای وی سخت‌تر است و وسواس وی از غلبه جسمانی سودا و پرخاشگری وی از غلبه دم‌ناشی شده باشد که با تعدیل جسمانی این امور، این حالات روحی نیز قابل اصلاح هستند.

#### تشکیکی بودن اعمال فضیلت‌نما

از آنجا که ردائیل اخلاقی تشکیکی و دارای مراتب هستند، شبه فضائلی که برخاسته از ردائیل هستند نیز تشکیکی هستند. به عنوان مثال انجام برخی از فضائل اخلاقی به دلیل ترس از ننگ و نام در مراحل اولیه رشد آدمی خوب است. چنان که ارسطو می‌نویسد: «ترسیدن از بعضی شرور شرف است و حتی وظیفه ماست و ترسیدن از آنها، مثلاً از ننگ، ردیلت است» (ارسطو، اخلاق نیکوماخوس، ص 101)؛ اما در مراحل بالاتر، انجام عمل اخلاقی به جهت ترس از نتایج آن فضیلت نیست. چنان که انجام فضائل به دلیل ترس از عذاب اخروی تنها در حالت عادی امری پسندیده است، اما در مقامات بالاتر، صرفاً خوبی عمل اخلاقی ملاک است و نه ترس از نتایج دنیاوی و اخروی آن (ام‌المومن بن (ع) فرموده‌اند: ما عبدتک خوفاً من نارک و لا شوقاً الی جنتک بل وجدتک أهلاً للعبادة فعبدتک احساناً، عوالی الالائی، ج 2، ص 11). بنابراین فضیلت امری ذومراتب است و به تبع آن اعمال فضیلت‌نما نیز دارای مراتب هستند. از حضرت عیسی (ع) روایت شده است که: «اگر محبان خود را محبت‌نما بد، شما را چه فضیلت است؟ زیرا گناهکاران هم محبان خود را محبت‌نما بند. و اگر احسان‌کننده با هر که به شما احسان کند، چه فضیلت دارد؟ چونکه گناهکاران نیز چنین می‌کنند و اگر قرض دهی به آنانی که امده بازگرفتن از ایشان دارد، شما را چه فضیلت است؟» (انجیل لوقا، بند 6، ص 1177).

نتیجه‌گیری

در این مقاله اعمال فضیلت‌نما بررسی شدند و نشان داده شد که فضائل و ردائیلی وجود دارند که ظاهری یکسان دارند و تنها نسبت فرد است که آنها را مبدل به فضیلت یا ردیلت می‌نماید. همچنین نشان داده شد که نسبت و انگیزه حقیقی یک عمل گاه برای خود فرد نیز مخفی است. بنابراین به دلیل وجود اعمال فضیلت‌نما، نمی‌توان صرفاً به عمل فرد نگرست و ظاهر آن را ملاک قرار داد. چنان که ارسطو می‌نویسد: «ممکن است کسی از راه قیاس غلط به نتیجه‌ای گرانبها دست‌ابد و کاری را که باید کرد به جا آورد، ولی نه از راه درست» (ارسطو، اخلاق نیکوماخوس، ص 227). بر این اساس در بررسی اخلاق فضیلت‌گرا، توجه به این دسته از اعمال فضیلت‌نما حائز اهمیت است. با توجه داشت که این مقاله در پی تضعیف و امردود دانستن اعمال اخلاقی بزرگان تاریخ نیست، بلکه تنها به مخفی بودن حجاب غفلت از ردائیلی اشاره دارد که با توجه و دقت در نفس خویش، آنها را بشناسیم و آنها را با فضائل اشتباه نگیریم.

× دانش‌ار فلسفه و کلام اسلامی، گروه فلسفه، دانشگاه علامه طباطبائی.

پی‌نوشت‌ها

1. ملامهدی نراقی مطالب بسیاری از کتاب جامع السعادات خود را از اخلاق ناصری خواجه نصیر طوسی اقتباس کرده است و خواجه نیز بخش‌های زیادی از کتابش را از کتاب اخلاق ابن مسکویه برگرفته است. بدین دلیل همان محتوای این آثار مشابهت وجود دارد.

2. displacement. // 3. reaction formation. // 4. sublimation

منابع

1. ابن سنا، اشارات و تنبیهات، ترجمه و شرح حسن ملکشاھی، انتشارات سروش، تهران، 1363. // 2. احسائی، ابن ابی جمهور، عوالی الآلی، انتشارات سید الشهداء، قم، 1405ق. // 3. ارسطو، اخلاق نیکوماخوس، ترجمه محمدحسن لطفی، طرح نو، تهران، 1385. // 4. ارونسون، ایلوت، روانشناسی اجتماعی، ترجمه حسن شکرکن، انتشارات رشد، تهران، 1382. // 5. انجیل لوقا، کتاب مقدس، انتشارات امام، انگلستان، 2002. // 6. جوست، لاورنس جی، «فضائل و رذائل»، دانشنامه فلسفه اخلاق، و راسته پل ادواردز، ترجمه و تدوین: انشاء الله رحمتی، نشر سوفیا، تهران، 1392. // 7. خندان، مغالطات، بوستان کتاب، قم، 1384. // 8. خواجه نصیرالدین طوسی، اخلاق ناصری، تصحیح: مجتبی مینوی و علی رضا حدادی، انتشارات خوارزمی، تهران، 1356. // 9. دشتکی، غیاث الدین منصور، اخلاق منصور، به کوشش: منصور ابراهیمی، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، 1391. // 10. شمس تبریزی، خمی از شراب ربانی (گزیده مقالات شمس تبریزی)، انتخاب و توضیح: محمدعلی موحد، انتشارات سخن، تهران، 1388. // 11. شولتز، دوان و سیدنی الین شولتز، نظریه های شخصیت، ترجمه: سید محمدی، نشر ویرایش، تهران، 1381. // 12. طبرسی، ابومنصور، الاحتجاج، نشر مرتضی، مشهد، 1403ق. // 13. غزالی، کمال ای سعادت، تصحیح: احمد آرام، کتابخانه و چاپخانه مرکزی، تهران، 1345. // 14. گرت، جان، «اخلاق فضیلت محور»، ترجمه: حسن کاظمی زدی، اطلاعات حکمت و معرفت، سال نهم، شماره 9، پیاپی 104. // 15. لاودن، روبرت، «اخلاق فضیلت»، دانشنامه فلسفه اخلاق، و راسته پل ادواردز، ترجمه و تدوین: انشاء الله رحمتی، نشر سوفیا، تهران، 1392. // 16. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، موسسه الوفاء، بیروت، 1404ق. // 17. نراقی، محمد مهدی، جامع السعادات، انتشارات اسماء، تهران، قم، 1379. // 18. نراقی، ملا احمد، معراج السعاده، تصحیح: رضا مرندی، انتشارات دهقان، تهران، 1377. // 19. لگارد، ارنست و همکاران، زمینه روانشناسی، ترجمه: محمدنقی براهنی و همکاران، انتشارات رشد، تهران، 1381.